

ریزشی‌های حکومت اسلامی و چگونگی برخورد ما اپوزیسیون خواهان گذار با آنها

جستار گشایی

رژیم‌های دیکتاتور و تمامیت‌خواه خودبرانداز هستند. هر روز سرشت آنها برای مردم و طرفدارانشان آشکارتر می‌شود، هر روز این رژیم‌ها دست به حماقت و جنایت می‌زنند، در نتیجه مردم و طرفدارانشان از رژیم می‌برند. حکومت اسلامی استثنا نیست. هر روز مردم و حامیان رژیم از آن می‌برند. برخی از این ریزشی‌ها می‌خواهند به جنبش گذار از حکومت اسلامی بپیوندند و علیه رژیم مبارزه کنند. برخورد اپوزیسیون با آنها چگونه باید باشد؟ اپوزیسیون به چه مسائلی در این رابطه باید بیندیشد؟ این نوشته سعی دارد به این پرسش‌ها پاسخ دهد.



در این مقاله می‌خوانید:

1	جستار گشایی	8
2	روند تاریخی ریزش‌ها در حکومت اسلامی	8
3	برخورد حکومت با ریزش و ریزشی‌ها	8
4	اصول بنیادی برخورد با ریزشی‌ها	8
5	تجربه‌های برخورد با ریزشی‌ها در کشورهای دیگر	8
5	آلمان شرقی (جمهوری دموکراتیک آلمان)	8
5	اتحاد جماهیر شوروی	8
5	آفریقای جنوبی	8
5	شیلی	8
6	آرژانتین	8
6	در ایران چه باید بکنیم؟	8
6	درخواست	8
7	منابع برای مطالعه بیشتر	8
Abstract		8

روند تاریخی ریزش‌ها در حکومت اسلامی

روحانیون از همان روزهای آغازین انقلاب رویه حذف کنشگران سیاسی مخالف و رقیب و ریزش از حکومت اسلامی را کلید زدند. بنی صدر، بازرگان و قطب زاده و بسیاری دیگر از انقلابیون از "خط امام" ریزش کردند.

در دهه اول انقلاب شاهد ریزش جبهه ملی، بنی صدر و سازمان مجاهدین هستیم. که بر مشروعیت و مقبولیت رژیم آسیب جدی رساند. بریدن آیت الله شریعتمداری و حزب خلق مسلمان این آسیب را شدیدتر کرد. بلافاصله حکومت اسلامی آیت الله شریعتمداری را وابسته به رژیم پهلوی اعلام کرد و به [اسناد محرمانه ساواک استناد کرد](#) و آنرا به طور وسیع منتشر کرد: «سعی کنید به اعلیحضرت معظم توهین و بی‌احترامی ننمایند. من از طرف خمینی خیلی ناراحت هستم. چند نفر از علمای دیگر را در شهرستان‌ها گرفته‌اند چون با شاهنشاه مخالفت کرده بودند. خواهش می‌کنم با شاهنشاه مخالفت نکنید و باعث ناراحتی او نشوید. من به خمینی گفتم که با شاه این طور رفتار نکن و بر خلاف دولت سیاست نزن اما او گوش نداد تا به این روز افتاد.»

روی برگرداندن قطب‌زاده از خمینی و انقلاب، او که خدمات بسیاری به خمینی قبل از انقلاب کرده بود، ریزش مرگبار دیگر بود.

بریدن شجاعانه آیت الله منتظری سنگین‌ترین ضربه را به مشروعیت نظام زد و در افشای قتل عام جوانان و تجاوز کارگزاران حکومت اسلامی به زنان و دختران نقش تعیین‌کننده داشت.

خمینی به منتظری نوشت که من از شما خواهش می‌کنم که این کارها را کنار بگذارید و مشغول کار خود شوید. آیت الله منتظری شجاعانه پاسخ داد: لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا (خداوند هیچ کس را جز به قدر توانایی اش تکلیف نمی‌کند. سوره البقرة، آیه ۲۸۶). آیت الله منتظری دست بر روی یکی از جنایت‌بارترین اقدام‌های حکومت اسلامی یعنی ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر گذاشت و [در یک سخنرانی مطرح کرد](#): «... بعد از ۱۰ سال باید عملکرد خود را حساب کنیم... باید حساب کنیم که در ظرف این ۱۰ سال که جنگ را به ما تحمیل کردند آیا جنگ را خوب طی کردیم یا نه، دشمنان ما که جنگ را تحمیل کردند آنها پیروز از کار درآمدند. چقدر نیرو از ایران و از دست ما رفت و چقدر جوان‌هایی را از دست دادیم که هر کدام یک دنیا ارزش داشتند و چه شهرهایی از ما خراب شد. باید اینها بررسی شود و ببینیم اگر اشتباهی کرده ایم، اینها توبه دارد... چقدر در این مدت شعارهایی دادیم که غلط بود و خیلی از آنها ما را در دنیا منزوی کرد و مردم دنیا را به ما بدبین کرد و هیچ لزومی هم برای این شعارها نداشتیم.» (خاطرات سیاسی محمدی ری شهری)

جنبش سبز ایران که در اعتراض به نتیجه‌ی انتخابات دهم ریاست جمهوری ایران شکل گرفت و پس از انتخابات ۱۳۸۸ به اعتراضات گسترده در واکنش به آن، منجر شد، سرشت رژیم را بیشتر افشا کردند. برخی از این کنشگران اصلاح طلب از حکومت ریزش کردند و به صف مبارزان سکولار و خواهان گذار از حکومت اسلامی پیوستند. فرهیختگانی و هنرمندان زیادی از انقلاب اسلامی فاصله گرفتند. ریزش فرهیختگانی چون "محمد نوری زاد" سریع و وسیع در جامعه طنین‌انداز شد.

رویگردانی عبدالکریم سروش به عنوان یکی از عوامل اجرای انقلاب فرهنگی ایران، که علم، اندیشه و تفکر مستقل را از مراکز آکادمیک ایران اخراج کرد، نقش مؤثری در انزوای حکومت داشت. بعد از ریزش، سروش برخی تناقضات و خرافات شیعه را افشا کرد و تمامیت‌خواهی خامنه‌ای را نقد و ریزش هنرمندانی چون محمد نوری زاد را ستود.

بیانیه ۱۴ فعال سیاسی موسوم به بیانیه ۱۴ در آستانه ۲۲ خرداد ماه ۱۳۹۸ خورشیدی، همزمان با سالگرد انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ ایران، توسط ۱۴ تن از فعالان مدنی و کنشگران سیاسی داخل ایران با هدف طرح یک سری خواسته‌های سیاسی و مدنی منتشر شد. امضاکنندگان این بیانیه با طرح مشکلات اقتصادی، مدنی و سیاسی داخل

ایران، ضمن انتقاد از وضعیت جاری کشور در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خواستار اعمال اصلاحات در قانون اساسی کشور، کناره‌گیری سید علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی از قدرت و گذار از نظام جمهوری اسلامی شدند. امضاکنندگان این سند دلایل خود برای طرح چنین مطالبه‌ای را «نقص گسترده حقوق مدنی، به‌خصوص زنان»، «نا توانی در رهبری و اداره درست کشور» و «استبداد نظام حاکم، عدم استقلال قوا و عدم امکان برگزاری انتخابات آزاد» عنوان کردند. بیانیه مذکور «مردم ایران» را مخاطب خود قرار می‌دهد و با فراخوان مردم به خیزش پایان می‌یابد.

این بیانیه ۱۴ را جواد لعل محمدی، حوریه فرج‌زاده، رضا مهرگان، زرتشت احمدی راغب، عباس واحدیان شاهرودی، کمال جعفری یزدی، گوهر عشقی، محمد کریم بیگی، محمد ملکی، محمد مهدوی فر، محمد نوری‌زاد، محمدحسین سپهری، محمدرضا بیات و هاشم خواستار امضا کردند. این بیانیه تاثیر زیادی در ریزش‌ها داشت. با بیانیه‌های ۱۴ زن کنشگر خارج از ایران، بیانیه ۱۴ زن کنشگر داخل ایران، احزاب، شخصیت‌ها، سازمان‌ها و نهادها و پویش اینترنتی، من نفر پانزدهم هستیم حمایت رسمی شد.

قیام آبان ۱۳۹۸ و خیزش ۱۴۰۱ انقلاب زن، زندگی، آزادی و تحریم گسترده مردم به انتخابات رژیم، روند ریزش را شتاب چشمگیر داد. این ریزش‌ها با ناکارآمدی و جنایت رژیم ادامه دارد و هر روز شاهد پیوستن شخصیت‌هایی به صف جنبش گذار از حکومت اسلامی هستیم.

برخورد حکومت با ریزش و ریزشی‌ها

ریزش گسترده بر رژیم تمامیت‌خواه بسیار گران آمده است و کام رهبر دیکتاتور حکومت اسلامی را تلخ کرده است. خامنه‌ای برای آنکه بریدن‌ها از رژیم را برای هوادارانش توجیه کند تا آنها فکر نکنند ناشایستگی، خودکامگی، ضدایرانی و ضد مردمی بودن رژیم، باعث بریدن‌ها شد، تئوری ریزش‌ها و رویش‌ها را تدوین کرد.

خامنه‌ای ناچار به اقرار به ریزش نیروهای وفادار به رژیم است ولی مزورانه در توجیه وضع موجود و در تحمیق وفاداران همت گمارده است، تا از هزینه‌های سرسام‌آور ریزش نیرو و تضعیف بدنه اجتماعی دستگاهی حاکم بکاهد.

خامنهای پس از انتخابات سال هشتاد و هشت در نهم دی ماه با دروغگویی بزرگ و آشکار که ویژگی مشترک او و جوزف گوبلس وزیر اطلاع‌رسانی هیتلر است، تئوری ریزش‌ها و رویش‌ها را طرح نمود تا سرسپردگان وی نیز این مبحث را وارد ادبیات سیاسی جمهوری اسلامی نمایند. خامنه‌ای گفته بود:

«اگر این مسئله اتفاق نمی‌افتاد و عده‌ای وسط راه، سست عنصری نشان نمی‌دادند، امروز وضع کشور در زمینه‌های مادی و معنوی خیلی بهتر بود، اما همان‌گونه که بارها تأکید شد و واقعیت‌های جامعه نیز نشان می‌دهد هر مقدار ریزش بود، دو برابر آن رویش وجود دارد.» این گفتار رهبر تمامیت‌خواه نشان می‌دهد که او به وسعت و اهمیت ریزش‌ها واقف است و این تئوری و آمار نادرست را برای تحمیق سرسپردگان ارائه می‌کند. او در نماز جمعه چهاردهم بهمن ماه سال نود رویش‌ها را بیش از ریزش‌ها خواند و ریزشی‌ها، پشت‌کردگان به تمامیت‌خواهی، معترضان و منتقدان به ناکارآمدی رژیم را فرسوده خطاب کرد و گفت:

«یکی از نقاط قوت و مثبت ما همین است که این ارزش‌ها به نسل‌های دوم و سوم منتقل شد. البته ریزش داشته‌ایم، توبه‌کار از انقلاب و پشیمان از انقلاب داشته‌ایم، اما رویش‌های ما بیشتر از ریزش‌های ما بوده است. نیروهای فرسوده ریزش پیدا کردند، اما نیروهای جوان و باطراوت بالا آمدند و رویش پیدا کردند.»

پرداختن بیش از حد خامنه‌ای به ریزش‌ها نشان می‌دهد علیرغم وانمود کردن به کم اهمیت بودن آن، او به اهمیت مرگبار ریزش‌ها و قدرت فروپاشنده آن واقف است. او بار دیگر در بیست و دوم مهر ماه نود و یک در جمع خانواده‌های شهدا، جانبازان و ایثارگران خراسان شمالی گفت:

«برخی افراد به دلایل مختلف همچون احساس خستگی یا تردید در گذشته خود و یا فریفته شدن به لخبند دشمن، از مسیر انقلاب خارج شدند، اما در مقابل، به برکت خون شهیدان، رویش های جدید و فراوانی در نسل جوان به وجود آمده که سراسر کشور را لبریز از روحیه ایستادگی، ثبات و عزت کرده است. . . جامعه امروز مملو از جوان های شجاع، آگاه، آشنا به حقایق زمان و مسلط به مسائل گوناگون سیاسی است که رویش های جدید انقلاب هستند.»

خامنه ای در ادامه تحمیق خود را علی ابن ابی طالب جا می زند و **می گوید**: شما به صدر اسلام نگاه کنید، ببینید آن کسانی که در دوران غربت اسلام و غربت علی، از امیرالمؤمنین دفاع کردند، چه کسانی بودند؟ اینها سابقه داران اسلام نبودند. سابقه داران اسلام، جناب طلحه و جناب زبیر و جناب سعد بن ابی وقاص و امثال اینها بودند. بعضی از اینها علی را تنها گذاشتند؛ بعضی از اینها در مقابل علی ایستادند. اینها ریزش ها بودند. اما رویش کدام است؟ رویش، عبدالله بن عباس است؛ محمد بن ابی بکر است؛ مالک اشتر است؛ میثم تمار است.

در جای دیگر در ادامه تحمیق خود را حسین بن علی جا می زند و می گوید: رویش ها شامل افرادی همچون حرّ بن یزید ریاحی، زهیر بن قین، مسلم بن عوسجه و ... و ریزش ها شامل ضحاک بن عبدالله، مالک بن نضر ارجبی، عبیدالله بن جعفری و هرثمه بن ابی مسلم می باشند.

رسانه های حکومت اسلامی در تبلیغ و ترویج توجیه ها و دروغ پردازی های خامنه ای سنگ تمام گذاشتند و برنامه های متعدد تلویزیونی ساختند و کتاب های بسیاری منتشر کردند؛ همانگونه که دیکتاتور رهنمود داده بود: «جا دارد که درباره این ریزش ها و رویش ها، از دیدگاه جامعه شناختی و روان شناختی و تاریخی، کار کنند و بحث کنند؛ که بحث های بسیار مهمی است...». از آن میان می توان به کتاب های «**ریزش ها در حکومت علوی**» اثر علی کریمیان صیقلانی، «**رویش ها و ریزش ها در قیام امام حسین (ع)**» نوشته ی محمد رنجبر حسینی و عاطفه رهبر، «**ریزش ها و رویش ها: عاقبت های سفید و سیاه در مسیر دفاع از حریم ولایت**» نوشته ی فضل الله میرشفیعی خوانساری، «**انقلاب اسلامی و ریزش ها**» نوشته ی ابوالحسن بکتاش اشاره کرد.

اصول بنیادی برخورد با ریزشی ها

عده ای با حکومت اسلامی ایران همکاری کردند. در سرکوب مردم شرکت کردند. در روزنامه ها علیه مردم و مبارزان مطالب نوشتند. الان از حکومت اسلامی روی برگردانند و به صف مخالفان رژیم پیوستند. با آنها چه رفتاری باید کرد؟

با گسترش ریزش، جنبش گذار از حکومت اسلامی باید اصولی برای پذیرش ریزشی ها داشته باشد. مسئله برخورد با افرادی که قبلاً با حکومت همکاری داشته و اکنون به صف مخالفان پیوسته اند، موضوعی بسیار پیچیده و حساس است. برخورد با این افراد نیازمند دقت و اندیشه فراوان است تا عدالت و حقوق انسانی قربانیان رعایت شود، از نفوذ دشمن تحت پوشش ریزشی در صف جنبش براندازی جلوگیری کند، و افراد ریزشی را از انجام جبران خدمت به دیکتاتور باز ندارد و حقوق انسانی آنان و خانواده آنها پایمال نشود. در این خصوص چند نکته مهم قابل توجه است:

- برخورد با این افراد ریزشی باید در چارچوب قوانین و مقررات صورت گیرد و حقوق انسانی آنان رعایت شود. استفاده از روش های قانونی و عادلانه می تواند اعتماد عمومی را جلب کرده و از بروز مشکلات جدید جلوگیری کند.

- بررسی نقش و میزان مشارکت این افراد در سرکوب ها و اقدامات ضد مردمی مهم است. افرادی که در جرائم سنگین و خشونت های شدید دست داشته اند، باید پاسخگوی اقدامات خود باشند و عدالت در مورد آنان اجرا شود.

- بسیار حیاتی است که بررسی شود آیا تغییر موضع این افراد واقعی و صادقانه است یا صرفاً به دلایل شخصی یا مصلحتی صورت گرفته است. شناخت نیت و صداقت این افراد می تواند به اتخاذ تصمیمات مناسب کمک کند.

- در شرایط حساس سیاسی و اجتماعی، حفظ وحدت و جلوگیری از تفرقه اهمیت زیادی دارد. برخورد بیش از حد سخت، انعطاف ناپذیر و بدون بخشش با همه افرادی که سابقاً با حکومت همکاری داشته‌اند، می‌تواند به تفرقه و اختلاف بیشتر منجر شود و رژیم را در نگهداری هوادارانش کمک کند.

- در صورتی که افراد با صداقت آگاه و پشیمان شدند و قصد جبران دارند، باید به آنان فرصتی برای جبران خطاهای گذشته و همکاری در مسیر گذار از حکومت اسلامی را داد. این امر به نفع جامعه است و نشان دهنده انعطاف و روحیه مصالحه و گذشت و بخشش دادخواهان و مبارزان.

تجربه‌های برخورد با ریزشی‌ها در کشورهای دیگر

درس آموزی از تجربه برخورد با ریزشی‌ها در دیگر کشورهای جهان پس از سقوط دیکتاتورهای و بررسی علل پیروزی و شکست آنها بسیار مهم است.

تجربه برخورد با "ریزشی‌ها" در کشورهای دیکتاتوری دیگر جهان نشان می‌دهد که این موضوع به عوامل متعددی از جمله وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشورها، و همچنین نوع حکومت و سیاست‌های آنها بستگی دارد. در ادامه چند نمونه از کشورهای مختلف و تجربیات آنها در برخورد با ریزشی‌ها از حکومت‌های دیکتاتوری می‌آید:

آلمان شرقی (جمهوری دموکراتیک آلمان)

پس از فروری دیوار برلین در سال ۱۹۸۹ میلادی و فروپاشی آلمان شرقی، بسیاری از کسانی که سابقاً با دولت کمونیستی همکاری داشتند به صف مخالفان پیوستند.

در آلمان شرقی سابق، کمیته‌ای برای بررسی سوابق افراد تشکیل شد که به بررسی نقش و میزان همکاری افراد با رژیم سابق می‌پرداخت. افرادی که در جرایم سنگین و سرکوب‌های شدید دست داشتند، محاکمه شدند، اما برای بسیاری از افراد عادی، فرصت‌هایی برای بازگشت به جامعه و اصلاح فراهم شد.

اتحاد جماهیر شوروی

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی، بسیاری از اعضای حزب کمونیست و نیروهای امنیتی به صف مخالفان پیوستند.

در روسیه و کشورهای استقلال‌یافته از شوروی، برخورد با این افراد متنوع بود. در برخی موارد، تغییر موضع این افراد پذیرفته شد و در برخی موارد دیگر، محاکماتی برای بررسی نقش آنها در رژیم سابق برگزار شد.

آفریقای جنوبی

پس از پایان رژیم آپارتاید در سال ۱۹۹۴ میلادی، بسیاری از افرادی که در رژیم آپارتاید فعالیت داشتند، تغییر موضع دادند.

کمیسیون حقیقت و آشتی در آفریقای جنوبی تأسیس شد که به بررسی جنایات و نقض حقوق بشر در دوران آپارتاید پرداخت. این کمیسیون بر عفو و آشتی تأکید داشت، اما برای کسانی که در جنایات سنگین دست داشتند، مجازات‌هایی تعیین شد.

شیلی

پس از پایان دیکتاتوری آگوستو پینوشه در سال ۱۹۹۰ میلادی، بسیاری از افرادی که در حکومت او فعالیت داشتند، تغییر موضع دادند.

در شیلی نیز کمیسیون‌هایی برای بررسی نقض حقوق بشر در دوران پینوشه تشکیل شد و برخی افراد محاکمه شدند. با این حال، رویکرد غالب، تلاش برای آشتی ملی و بازسازی کشور بود.

آرژانتین

پس از سقوط دیکتاتوری نظامی خورخه ویلدا، در دهه ۱۹۸۰ میلادی، بسیاری از افرادی که در رژیم نظامی فعالیت داشتند، به صف مخالفان پیوستند.

آرژانتین دوره‌ای از محاکمات و مجازات‌ها را برای کسانی که در جنایات نظامی دست داشتند تجربه کرد، اما با گذشت زمان، رویکردها به سمت آشتی ملی و بازسازی جامعه حرکت کرد.

در ایران چه باید بکنیم؟

ما شرایط بسیار بغرنجی در ایران داریم. بیش از چهار دهه سرکوب، اعدام، شکنجه و تجاوز، زخم‌های عمیق بر پیکر جامعه زده است. دست بسیاری به خون اندیشمندان، مبارزان، کنشگران، کودکان، جوانان و زنان آغشته است.

خانواده‌های بسیاری دادخواه هستند. عدالت انتقالی، آشتی ملی، و بازسازی ایران پسا حکومت اسلامی بسیار پیچیده و سخت است. به هر حال ما باید با کمترین خشونت، بیشترین گذشت و منصفانه‌ترین برخورد، در گذشته نمایم و به آینده فکر کنیم. حتی آینده خانواده و فرزندان کسانی که دستشان به خون مردم ما آغشته است.

ما باید:

- برای ایجاد کمیسیون‌های حقیقت‌یاب و آشتی ملی تلاش کنیم و به جای انتقام و تفرقه، به بازسازی جامعه و تقویت وحدت ملی و گسترش بخشش و رواداری یاری رسانیم.

- به افراد برای بازگشت و اصلاح فرصت دهیم، به‌ویژه اگر نقش آنها در جنایات سنگین نباشد.

- نقش و میزان همکاری افراد با رژیم اسلامی را برای تعیین نوع برخورد با آنها بررسی کنیم. این کار باید از سوی حقوقدانان و کارشناسان ملی و بین‌المللی ماهر و بی‌طرف بدون دخالت احساسات صورت گیرد.

- هم با مجرمان و هم با قربانیان و دادخواهان برخورد قانونی و عادلانه با رعایت حقوق انسانی کنیم. اعتماد عمومی را جلب کنیم و از ایجاد مشکلات جدید جلوگیری کنیم.

- به طور کلی، ترکیبی از عدالت انتقالی، آشتی ملی و فرصت برای اصلاح مجرمان، موثرترین و سازنده‌ترین رویکرد در برخورد با "ریزشی‌ها" است.

احد قربانی دهناری

یازده مرداد ۱۴۰۳ - اول اوت ۲۰۲۴

درخواست

برخورد با ریزشی‌ها مسئله پیچیده و در عین حال برای ما حیاتی است. جنبش باید رویه سنجیده با ریزشی‌ها داشته باشد. نظرات اصلاحی و تکمیلی و نقدها درباره‌ی این نوشته را با من در میان بگذارید. با یکی از راههای زیر می‌توانید با من تماس بگیرید:

ahad.ghorbani@gmail.com

<http://telegram.me/ahaddehnari>

منابع برای مطالعه بیشتر

در اینجا چند کتاب معتبر در زمینه‌ی برخورد با ریزشی‌ها را معرفی می‌کنم. این کتاب‌ها به بررسی تجربیات کشورهای مختلف و تحلیل‌های جامع در مورد عدالت انتقالی، آشتی ملی و بازسازی جوامع پس از دوران دیکتاتوری می‌پردازند. این کتاب‌ها منابع خوبی برای بررسی عمیق‌تر و جامع‌تر در مورد موضوع برخورد با "ریزشی‌ها" در جوامع دیکتاتوری و فرآیندهای گذار به دموکراسی و عدالت انتقالی هستند.

De Brito A. B., Enriquez C. G. & Aguilar P. (2001). [The Politics of Memory: Transitional Justice in Democratizing Societies](#). Oxford: Oxford University Press.

این کتاب به بررسی فرآیندهای عدالت انتقالی و نحوه برخورد جوامع با گذشته‌های سرکوبگر خود در دوره‌های گذار به دموکراسی می‌پردازد. نمونه‌هایی از کشورهای آمریکای لاتین، آفریقای جنوبی، و اروپای شرقی مورد بررسی قرار گرفته است.

Hayner, B. P. (2011). [Unspeakable Truths - Transitional Justice and the Challenge of Truth Commissions](#). London: Routledge.

این کتاب در زمینه کمیسیون‌های حقیقت‌یاب و چالش‌های آنها در مواجهه با دوران‌های انتقالی است. نویسنده تجربیات مختلفی از کشورهای متعدد را بررسی می‌کند.

Mayer-Rieckh, A., & De Greiff, P. (2007). [Justice as Prevention - Vetting Public Employees in Transitional Societies](#) (Advancing Transitional Justice). New York: Social Science Research Council.

این کتاب به بررسی فرآیندهای پاکسازی و ارزیابی کارکنان دولتی در جوامع انتقالی پرداخته و نمونه‌هایی از کشورهای مختلف را تحلیل می‌کند.

Roht-Arriaza, N., Mariezcurrena, J. (2012). [Transitional Justice in the Twenty-First Century - Beyond Truth versus Justice](#). Cambridge University Press.

این کتاب به بررسی مفاهیم و چالش‌های عدالت انتقالی در قرن بیست و یکم پرداخته و مواردی از آفریقای جنوبی، آمریکای لاتین و اروپای شرقی را تحلیل می‌کند.

Stern, S. J. & Straus, S. (2014). [The Human Rights Paradox: Universality and Its Discontents](#). University of Wisconsin Press.

این کتاب به بررسی پیچیدگی‌های حقوق بشر و عدالت در دوران‌های انتقالی پرداخته و تجربیات مختلفی از کشورهای آمریکای لاتین، آفریقا و اروپا را تحلیل می‌کند.

Villa-Vicencio, C., & Du Toit, F. (2006). [Truth and Reconciliation in South Africa: 10 Years On](#). South Africa: David Philip Claremont.

این کتاب به تحلیل عملکرد کمیسیون حقیقت‌یاب و آشتی در آفریقای جنوبی و تاثیر آن بر جامعه و سیاست‌های کشور پس از ده سال از پایان آپارتاید می‌پردازد.

Vincent Chetail, V. (2009). [Post-Conflict Peacebuilding - A Lexicon](#). New York: Oxford University Press.

این کتاب به جنبه‌های کلیدی صلح پس از جنگ چون سازندگی پس از پایان مناقشه، اصلاحات بخش امنیتی و عدالت انتقالی می‌پردازد. نویسندگان کتاب کارشناسان بین‌المللی در زمینه ایجاد صلح هستند.

توجیه‌ها و دروغ‌های خامنه‌ای را در آدرس‌های زیر می‌توانید بخوانید:

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1025>

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index-old?tid=1025#96172>

<https://www.aparat.com/v/x8G47>

<https://www.aparat.com/v/y5942is>

Abstract

The Renegades of the Islamic government and how we, the opposition, who want transition, deal with them

Dictator and totalitarian regimes are self-destroyer. Every day their nature becomes more obvious to the people and their supporters, every day these regimes commit stupidity and crimes, as a result, the people and their supporters turn away the regime. Islamic government is no exception. People and supporters of the regime turn away from it every day. Some of these renegades want to join the transition movement from the Islamic regime and fight against the regime. How should the opposition deal with them? What issues should the opposition think about in this regard? This article tries to answer these questions.

When individuals who previously worked for a dictator decide to join the opposition, the opposition faces a complex challenge in determining how to respond. Balancing pragmatic considerations and security with ethical and human rights principles is crucial.

By balancing pragmatism with principles of justice and reconciliation, the opposition can navigate the challenges of integrating former regime members while maintaining credibility and public trust.

Ahad Ghorbani Dehnari

August 1, 2024